



تحلیل مفهومی

بیانات آیه الله مصباح یزدی

اولین مراسم سال تحصیلی مؤسسه آموزشی عالی اخلاق و تربیت

پیش نویس اول

سید مهدی موسوی موشح

آبان ۱۳۹۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مندرجات

۱. نمودار محورهای فرمایشات

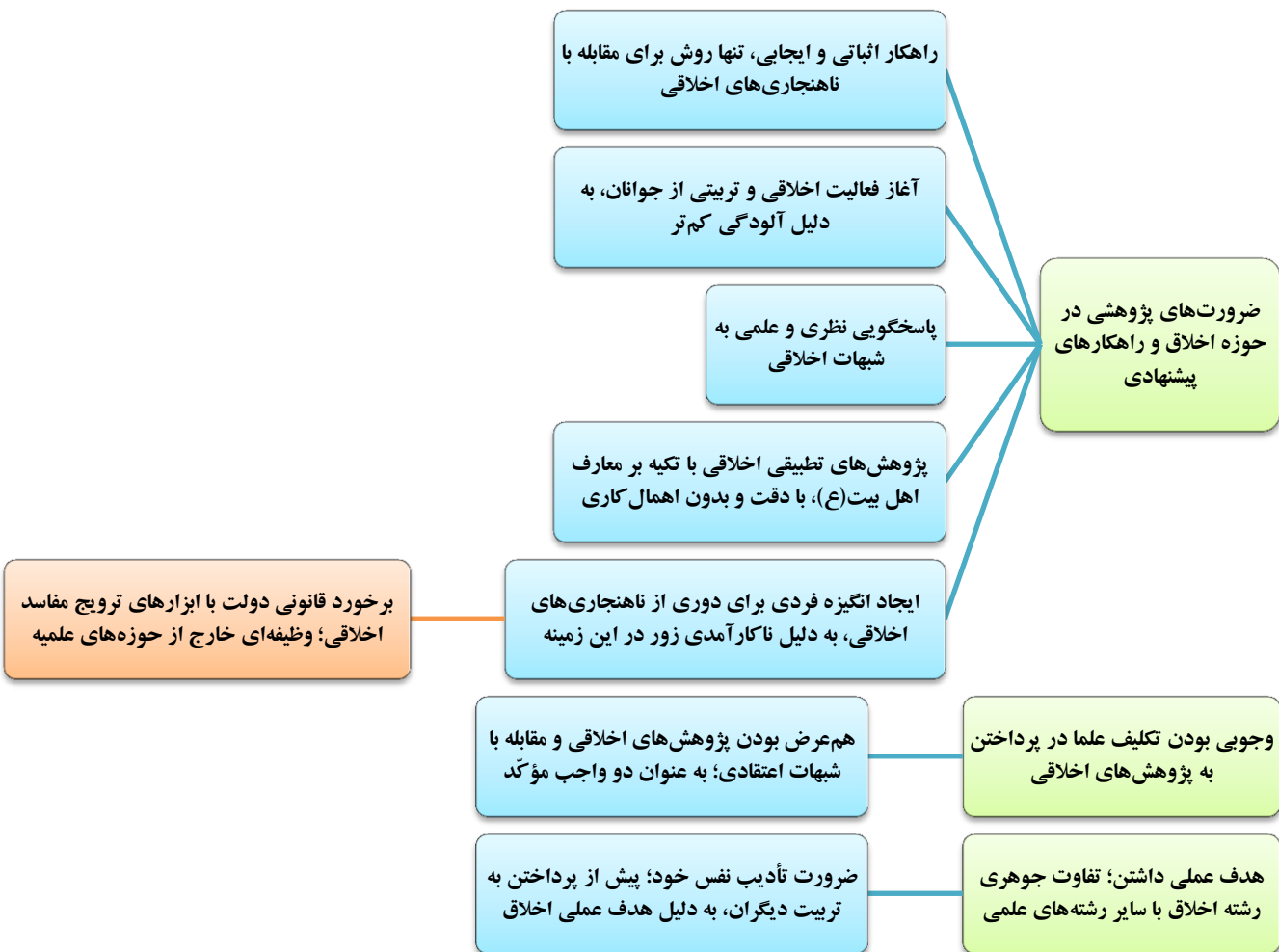
۲. فهرست فرمایشات

۳. تحلیل مفهومی

۴. متن سخنرانی







فهرست بیانات آیه... مصباح یزدی

فهرست اجمالی

۱. تأسیس مؤسسه آموزشی عالی اخلاق و تربیت؛ فعالیتی بسیار ارزشمند
۲. جایگاه اخلاق در زندگی انسان
۳. جایگاه اخلاق در معارف اسلامی
۴. جایگاه اخلاق در تاریخ اسلام
۵. ضرورت تحول در پژوهش‌های اخلاقی، با بررسی دوره‌های تحول فقه
۶. معذور نبودن علمای عصر حاضر نسبت به قصور در پژوهش‌های اخلاقی
۷. ضرورت‌های پژوهشی در حوزه اخلاق و راهکارهای پیشنهادی
۸. وجوبی بودن تکلیف علما در پرداختن به پژوهش‌های اخلاقی
۹. هدف عملی داشتن؛ تفاوت جوهری رشته اخلاق با سایر رشته‌های علمی

فهرست تفصیلی

۱. تأسیس مؤسسه آموزشی عالی اخلاق و تربیت؛ فعالیتی بسیار ارزشمند
۲. جایگاه اخلاق در زندگی انسان
 - ۱/۲. وابستگی صلاح و فساد انسان به اخلاق؛ دلیل ضرورت فعالیت‌های اخلاقی
 - ۲/۲. گستره اخلاق بر اساس منابع دینی
 - ۱/۲/۲. شمولیت اخلاق بر رفتارها و ملکات
 - ۲/۲/۲. شمولیت اخلاق بر امور فردی و اجتماعی
 - ۳/۲/۲. شمولیت اخلاق بر اهداف دنیوی و اخروی
۳. جایگاه اخلاق در معارف اسلامی
 - ۱/۳. تزکیه؛ وظیفه پیامبران، در کنار تعلیم و هدایت تشریعی، از منظر آیات قرآن
 - ۲/۳. اخلاق؛ دلیل بعثت پیامبران از نگاه قرآن
 - ۱/۲/۳. قدر متیقن معنای واژه قرآنی «حکمت» در مسائل اخلاقی
 - ۲/۲/۳. تعلیم؛ بُعد آموزشی اخلاق و تزکیه؛ بُعد پرورشی اخلاق
۴. جایگاه اخلاق در تاریخ اسلام
 - ۱/۴. عدم توجه کافی به اخلاق نسبت به فقه، در فعالیت فقه‌های گذشته
 - ۱/۱/۴. دلیل عدم توجه علمای سابق نسبت به اخلاق؛ یکی از موضوعات پیشنهادی برای پژوهش در مؤسسه
 ۵. ضرورت تحول در پژوهش‌های اخلاقی، با بررسی دوره‌های تحول فقه
 - ۱/۵. بررسی دوره‌های تحول فقه
 - ۱/۱/۵. دوره اول فقه؛ نگارش متن روایات به عنوان احکام فقهی
 - ۲/۱/۵. دوره دوم فقه؛ تطبیق روایات عامه و امامیه و تفریع فروع با استفاده از متد فقه‌ای
 - ۱/۲/۱/۵. تمثیلی از عمق یافتن مباحث فقهی؛ اختصاص یک باب فقهی تنها در بررسی یک روایت
 - ۲/۵. کم‌تر نبودن تعداد روایات اخلاقی از روایات فقهی
 - ۳/۵. پیدایش چشمه‌هایی از علوم؛ با تحقیق در روایات اخلاقی



۶. معذور نبودن علمای عصر حاضر نسبت به قصور در پژوهش‌های اخلاقی
- ۱/۶. ضرورت حفظ اصل شریعت؛ دلیل احتمالی قصور علمای گذشته در پژوهش‌های اخلاقی
- ۲/۶. اهمیت پژوهش‌های اخلاقی در عصر حاضر، به دلیل سرایت مسائل اخلاقی به مباحث اعتقادی
- ۱/۲/۶. تصریح قرآن به تضعیف ایمان توسط رفتارهای غیراخلاقی
- ۲/۲/۶. حاکی بودن تجربه از تأثیر رفتارهای غیراخلاقی در بروز انحرافات اعتقادی
- ۳/۲/۶. تمایل به گناه در نتیجه ارتکاب آن؛ سبب منکر شدن به دین و شریعت، بر اساس تحلیل روانشناختی
- ۳/۶. پیدایش ناهنجاری‌های اخلاقی در پاره‌ای از شریف‌ترین محافل جامعه
- ۱/۳/۶. دست داشتن عوامل خارج از کشور در گسترش ناهنجاری‌های اخلاقی
۷. ضرورت‌های پژوهشی در حوزه اخلاق و راهکارهای پیشنهادی
- ۱/۷. راهکار اثباتی و ایجابی، تنها روش برای مقابله با ناهنجاری‌های اخلاقی
- ۲/۷. آغاز فعالیت اخلاقی و تربیتی از جوانان، به دلیل آلودگی کم‌تر
- ۳/۷. پاسخگویی نظری و علمی به شبهات اخلاقی
- ۴/۷. پژوهش‌های تطبیقی اخلاقی با تکیه بر معارف اهل بیت (ع)، با دقت و بدون اهمال‌کاری
- ۵/۷. ایجاد انگیزه فردی برای دوری از ناهنجاری‌های اخلاقی، به دلیل ناکارآمدی زور در این زمینه
- ۱/۵/۷. برخورد قانونی دولت با ابزارهای ترویج مفاسد اخلاقی؛ وظیفه‌ای خارج از حوزه‌های علمیه
۸. وجوبی بودن تکلیف علما در پرداختن به پژوهش‌های اخلاقی
- ۱/۸. هم‌عرض بودن پژوهش‌های اخلاقی و مقابله با شبهات اعتقادی؛ به عنوان دو واجب مؤکد
۹. هدف عملی داشتن؛ تفاوت جوهری رشته اخلاق با سایر رشته‌های علمی
- ۱/۹. ضرورت تأدیب نفس خود؛ پیش از پرداختن به تربیت دیگران، به دلیل هدف عملی اخلاق



به نام خدا

سخنرانی آیة... مصباح - تحلیل مفهومی اولیه (پیش‌نویس)

محورهای بحث

محورهای فرمایش استاد مصباح را در سرفصل‌های ذیل می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱. ضرورت فعالیت‌های اخلاقی
۲. ضرورت‌های فعالیت‌های اخلاقی

محور اول

استاد مصباح از سه منظر ضرورت فعالیت‌های اخلاقی در عصر حاضر را اثبات می‌نمایند:

۱. وابستگی تعالی انسان به اخلاق که تمام هدف انبیاء نیز آموزش و پرورش اخلاقی است.
۲. قصور علمای گذشته در فعالیت‌های نظری اخلاقی و کمبود منابع علمی در این موضوع.
۳. بحران‌های اخلاقی حادث شده در جامعه اسلامی و خصوصاً در شریف‌ترین محافل اجتماعی.

محور دوم

ایشان در ادامه بایدها و ضرورت‌هایی را در فعالیت‌های اخلاقی طرح می‌فرمایند که توجه به آنها در این دست پژوهش‌ها لازم است:

۱. ضرورت تأدیب نفس خود، پیش از پرداختن به تربیت دیگران، به دلیل تفاوت جوهری اخلاق با علوم نظری
۲. تکیه بر معارف اهل بیت(ع) در پژوهش‌های اخلاقی
۳. استفاده از الگوی رشد و توسعه تاریخی علم فقه در بسط علم اخلاق
۴. دقت فراوان و عدم اهمال‌کاری در فعالیت‌های اخلاقی و پرهیز از گزارش‌سازی و ظاهرسازی
۵. اتخاذ راهکار اثباتی و ایجابی [تولید علم اخلاق و ترویج ارزش‌های اخلاقی] به جای راهکار سلبی [برخورد]
۶. اهتمام به جوانان در ترویج اخلاق، به دلیل آلودگی کمتر و آمادگی بیشتر
۷. ناکارآمدی اجبار و زور در ترویج اخلاق و ضرورت ایجاد انگیزه‌های فردی در تربیت اخلاقی

بحث‌های محوری

استاد مصباح برای انتباه به ضرورت اهتمام به فعالیت‌های اخلاقی و ارائه راهکارها و پیشنهادات خود، بحث‌هایی را مطرح فرموده‌اند که توجه به آنها اهمیت فراوانی دارد. این بحث‌های محوری شایسته دقت بیشتر می‌باشند و بایسته است در پژوهش‌ها مورد مطالعه و دقت قرار بگیرند.

نسبت «اخلاق» و «اعتقادات»

ایشان متذکر می‌شوند که رفتارها و ملکات حاصله از این رفتارها، اخلاقی را در فرد شکل می‌دهد که نتیجه آن تغییر در اعتقادات است. بنابراین بسیاری از شبهات اعتقادی ریشه در رفتارهای ناهنجار رایج در جامعه دارد. ایشان در تبیین این مطلب از شواهد قرآنی و تجربیات تاریخی یاری می‌گیرند.



همراهی «فعالیت‌های اخلاقی» و «مقابله با شبهات اعتقادی»

بر اساس محور ذکر شده قبلی، ایشان وجوب فعالیت‌های اخلاقی را بسیار مؤکد و هم‌عرض با ضرورت مقابله با شبهات اعتقادی ذکر می‌فرمایند. زیرا روشن است اگر شبهات اعتقادی ریشه در ناسره‌های رفتاری دارد، صرف بحث نظری و علمی نمی‌تواند آحاد جامعه را هدایت اعتقادی نماید. لذا دین‌گزیزی و دین‌ستیزی را باید در ترویج رفتارها و ملکاتی جستجو کرد که فرهنگ جامعه را ناهنجار می‌نماید.

نسبت «فقه» و «اخلاق»

بر اساس فرمایش استاد مصباح، «حکمت» در آیات قرآنی، با توجه به هدف بعثت انبیاء که مکرمت‌های اخلاقی بوده است، ظهور در معنای اخلاق دارد. از این رو، «علم فقه» جنبه آموزشی حکمت و اخلاق را بر عهده دارد و «علم اخلاق»، بمعنی الأخص، متکفل جنبه پرورشی حکمت و اخلاقی است که انبیاء برای ترویج آن در میان بشر مبعوث شده‌اند. پس این دو علم نقش مکمل دارند و یکی بدون دیگری قادر به هدایت جامعه نخواهد بود.

تفاوت جوهری «اخلاق» با سایر علوم نظری

علم اخلاق صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌های علمی و نظری نیست که برای یادگیری آن مانند سایر علوم بتوان عمل کرد و با مطالعه و یادگیری تعدادی قضیه علمی متخلّق شد. علم اخلاق ناظر به رفتارهای بشر است و رفتارهای بشر از عقل عملی و اختیار سرچشمه می‌گیرد. علم اخلاق مجموعه‌ای از قواعد رفتاری است که با تکرار تبدیل به ملکات فاضله شده و خلُق و خو را در فرد می‌سازد و تأسیس می‌کند.

تقدّم تأدیب نفس مربّی بر تربیت مترّبی

بنابراین نحوه ترویج و تعلیم آن متفاوت بوده و مربّی خود باید تربیت‌شده و متخلّق باشد، تا بتواند با اعمال و رفتار خود، مکارم اخلاقی را به مترّبی یاد داده و به عبارت دقیق‌تر او را «تربیت» نماید.

وابستگی اخلاق به اختیار فرد

از سوی دیگر، ابتناء رفتار بر اختیار بشر، نمی‌توان به زور و تحمیل، اخلاق را ترویج داد و فراگیر کرد. انسان حکومت بر رفتار خود دارد و برای تغییر رفتار او باید انگیزه‌های خود فرد را تحت تأثیر گذاشت، به گونه‌ای که مترّبی خود «بخواهد» رفتارش را تغییر دهد.

ضرورت‌های پژوهشی [پیشنهاد نویسنده]

به نظر می‌رسد با توجه به مطالب فوق باید فعالیت‌های ذیل در زمینه علم اخلاق صورت پذیرد:

۱. شناسایی رفتارهای ناهنجار در جامعه
۲. تناسب‌یابی هر رفتار با شبهات اعتقادی منشعب از آن و سهم‌یابی تأثیر آنان در انحراف جامعه
۳. اولویت‌گذاری در پرداختن به ناهنجاری‌های اجتماعی، بر اساس میزان سهم تأثیر آنها
۴. بررسی انگیزه‌های صدور و بروز رفتارهای ناهنجار مورد نظر
۵. یافتن راهکارهای حذف مناشئ ایجاد انگیزه‌های بروز رفتارهای ناهنجار و ترویج انگیزه‌های سره
۶. تحلیل ویژگی‌های ارتباطی با مخاطب اصلی یعنی جوانان، در ترویج انگیزه‌های رفتارهای هنجار
۷. ترسیم چشم‌انداز، اهداف آرمانی، اصول و سیاست‌ها و طراحی برنامه‌های ارتقاء اخلاقی جامعه



به نام خدا

بیانات آیت ا... مصباح در اولین مراسم سال تحصیلی مؤسسه آموزشی عالی اخلاق و تربیت

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيه الله في العرضين ارواحنا الفداء

تأسیس مؤسسه آموزشی عالی اخلاق و تربیت؛ فعالیت بسیار ارزشمند

خدای متعال را شکر می‌کنم که حیاتی عنایت فرمود و توفیقی که در این ایامی که مقارن با دهه کرامت هست در این محفل شرف حضور پیدا کنم و آغاز یک فعالیت بسیار ارزشمندی را نظاره گر باشم. حضور بنده در اینجا پیش از هر چیز فقط برای عرض ارادت به عزیزانی است که کمر همت در این راه بسته‌اند و تلاشهای خدایسندانه‌ای را انجام داده‌اند و خواهند داد. بیش از این هر چیز بگویم اتلاف وقت هست. ولی طبق مراسم باید چیزی گفت؛ با اجازه در این فرصتی که هست ۲-۳ مطلب را فهرست‌وار عرض می‌کنم چون فرصتی برای تفصیل نیست.

جایگاه اخلاق در زندگی انسان

وابستگی صلاح و فساد انسان به اخلاق؛ دلیل ضرورت فعالیت‌های اخلاقی

اول ضرورت و اهمیت فعالیت‌های اخلاقی در زندگی انسان؛ در یک جمله صلاح و فساد و سعادت و شقاوت انسان بیش از هر چیز مرهون اخلاق و منش اوست،

گستره اخلاق بر اساس منابع دینی

شمولیت اخلاق بر رفتارها و ملکات

شمولیت اخلاق بر امور فردی و اجتماعی

شمولیت اخلاق بر اهداف دنیوی و اخروی

مخصوصاً اگر اخلاق را طوری تفسیر کنیم که بر اساس کاربردهایی که در منابع دینی دارد هم شامل رفتارها بشود هم شامل ملکات، هم شامل امور فردی بشود و هم اجتماعی. هم اهداف دنیوی را دنبال کند هم اخروی، در حضور آقایان فکر میکنم توضیح دادن موردی ندارد با این وقت کم.

جایگاه اخلاق در معارف اسلامی

نکته دوم جایگاه معارف اخلاقی و دستورالعمل‌های اخلاقی در مجموعه و منظومه معارف و برنامه‌های اسلام است.

مطلب اول به طور کلی در بحث آزاد بود که اخلاق چه جایگاهی در زندگی انسان دارد. این بحثی است متمم آن، که از نظر اسلام چه اهمیتی دارد و جایگاهش کجاست.

ترکیه؛ وظیفه پیامبران، در کنار تعلیم و هدایت تشریعی، از منظر آیات قرآن

این را هم به اشاره عرض می‌کنم که آیاتی که در قرآن اهداف پیامبران را بیان می‌کند چند آیه هست که یعلمهم و یزکیهم یا یزکیهم و یعلمهم دارد که در کنار تعلیم که وظیفه اصلی هدایت پیامبران هست هدایت تشریع الهی، ترکیه را هم ذکر می‌کند.



اخلاق؛ دلیل بعثت پیامبران از نگاه قرآن

قدر متیقن معنای واژه قرآنی «حکمت» در مسائل اخلاقی

وجالب این است که در یعلمهم هم، یعلمهم کتاب والحکمه می فرماید. تنها قوانین و ضوابط و احکام فقهی ملاک نیست آن شامل تعلیم کتاب است؛ حکمت در اصطلاح قرآن در کاربردهایی که در آیات قرآن دارد بیشتر مسائل اخلاقی است، در سوره اسراء بعد از اینکه یک سلسله از دستورات اخلاقی را خداوند متعال به پیامبر اکرم بیان می فرماید بعد می فرماید ما اینها را از حکمت به تو آموختیم. قدر متقن از موارد استعمال حکمت، مسائل اخلاقی است.

تعلیم؛ بُعد آموزشی اخلاق و تزکیه؛ بُعد پرورشی اخلاق

منتهی چون تعلیم حکمت هست بُعد آموزشی آن را متکفل هست و ما یزکیهم بعد پرورشی آنرا بیان می کند. یعنی اخلاق هم آموزش و هم پرورش و اجرای عملی آن از اهداف اصلی انبیاء است

و وقتی کلام پیامبر اکرم را ملاحظه کنیم که فرمود انّی بعثت لاتمّم مکارم الأخلاق مطلب کاملاً روشن می شود که اخلاق در مجموعه و منظومه معارف اسلامی چه جایگاهی دارد این هم یک نکته که به بحث اجمالی و فهرست وار اکتفا می کنم.

جایگاه اخلاق در تاریخ اسلام

و نکته سوم بررسی تاریخی فعالیت های اخلاقی در طول تاریخ اسلام است که از زمان خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و بعد حضرات امامان معصوم علیهم السلام تا امروز که بیش از چهارده قرن می گذرد چه فعالیت هایی در زمینه ترویج اخلاق، تعلیم اخلاق، پژوهش درباره اخلاق، اخلاق تطبیقی و چیزهایی از این قبیل انجام گرفته است.

عدم توجه کافی به اخلاق نسبت به فقه، در فعالیت فقهای گذشته

اگر جایگاه اخلاق در منظومه معارف اسلامی اینقدر مهم است، قاعدتاً باید که علاقه مندان به معارف اسلامی، علما، بزرگان اهتمام متناسب با این شان درباره آن داشته باشند. اما در حد معلومات بسیار ناقص بنده که قریب به صفر هست متأسفانه چنین چیزی را سراغ ندارم. ما کتاب هایی که امروزه در علوم اسلامی نوشته شده در زمینه های مختلف فراوان داریم؛ الحمدلله در زمینه فقه و اصول دائماً این جریان ادامه دارد و هر روز کتاب های جدیدی با عناوین جدید از بزرگان، مراجع تقلید، اساتید فقه منتشر می شود و در دسترس پژوهندگان قرار میگیرد، اما اگر ما بخواهیم از صدر اسلام تا به حال نوشته شده فهرستی تهیه کنیم و ببینیم چند کتاب است؛ درباره فقه هزاران کتاب داریم کتاب هایی که هرکدام گاهی ۷-۸ جلد بزرگ هستند مثل دوره جواهر دوره مفتاح الکلام دوره مبسوط. اما درباره اخلاق کتاب کوچک و بزرگ مجموعاً از صدر اسلام تا الان چند کتاب داریم؟! آنچه مسلم است این است که این دو قابل مقایسه نیستند از نظر تعداد.

دلیل عدم توجه علمای سابق نسبت به اخلاق؛ یکی از موضوعات پیشنهادی برای پژوهش در مؤسسه

حالا چرا کم به این موضوع پرداخته اند جای مطالعه دارد؛ شاید هم یک وجه صحت دارد که عقل ما نمی رسد. اما به نظر من با این نظر اجمالی نسبت به اخلاق بی مهری شده است، خوب است عزیزی که در تاریخ کار کرده اند یا دوست دارند در این زمینه ها مطالعه کنند بررسی کنند که چرا کتاب های اخلاقی اینقدر کم است. ما هم اینک در حوزه اخلاق شیعه بگویند چند کتاب اخلاقی را اسم ببرید چند کتاب بلد هستیم؟! گر یکی از آقایان بلند شوند بگویند من نام ۱۰ کتاب اخلاقی می دانم. اما در رشته های مختلف ما صدها و هزارها کتاب داریم، چرا باید اینگونه باشد؟! سرّ آن



چیست؟ این موضوع قابل مطالعه است و پژوهشی می‌خواهد؛ انشاءالله که آقایان در دوره پژوهش‌های خود این موضوع را موضوع تحقیق خود قرار دهند.

ضرورت تحول در پژوهش‌های اخلاقی، با بررسی دوره‌های تحول فقه

نکته دیگر تحولی است که در زمینه‌های اخلاقی خصوصاً نوشتن کتاب‌های اخلاقی و انتقال مفاهیم اخلاقی به نسل‌های بعد وجود دارد. می‌دانیم که منبع همه علوم اسلامی ابتدا قرآن بوده است و فرمایشات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت علیهم السلام، آنچه به عنوان علم اسلامی مطرح می‌شد منبع آن، اینها بوده، البته الان هم همین‌هاست. اما در کیفیت عرضه مطالب کتاب سنت در رشته‌های مختلف از ابتدا تا به حال خیلی تحول حاصل شده است.

بررسی دوره‌های تحول فقه

دوره اول فقه؛ نگارش متن روایات به عنوان احکام فقهی

در یک دورانی که خود آن هم قابل تقسیم به چند دوره فرعی هست احکام فقهی ما تقریباً متن روایات بود حتی در زمان شیخ صدوق (رحمت الله علیه) کتاب‌های فقهی که ایشان نوشته‌اند و خوشبختانه در همین عصر هم تحقیق شده و آنها و مدارک آن را پیدا کرده‌اند، تقریباً متن روایات با حذف سند و مقدمه و مؤخره کتاب فقهی مقنعه، هدایه و اینهاست و فقهای بزرگ زحمت کشیده‌اند که همین‌جا داخل پراکنش خوب است که از زحماتی که این بزرگان امثال بخصوص شیخ صدوق (رحمه الله علیه) در جمع روایات فقه، مسائل روایات اهل بیت (علیهم السلام) که آن زمان اینها کشیده‌اند خوب است که آقایان مطالعه‌ای داشته باشند. که آن روز با سوار شدن بر استر و شتر مسافرت کردن و رفتن تا فرغانه در آسیای مرکزی برای اینکه یک حدیثی از یک شیخ اهل تسنن سوال بکنند که این یعنی چه؟ چگونه این روایات را جمع کنند و کتاب‌هایی امثال من لا یحضر الفقیه یا سایر کتاب‌های بزرگی که واقعاً از بهترین کتاب‌هایی است که در زمینه معارف داریم از شیخ صدوق (رضوان الله علیه) داریم. معانی الاخبار، خصال و سایر کتاب‌ها، اینها رو جمع آوری کرده‌اند و در اختیار ما گذاشته‌اند. با چه همتی با چه تلاشی با چه اخلاصی ولی به هر حال حاصل فعالیت‌های فقهی ایشان همین کتابهای امثال مقنعه و هدایه و اینهاست؛ این یک دوره از دوران فقهی ما بوده است

دوره دوم فقه؛ تطبیق روایات عامه و امامیه و تفریع فروع با استفاده از متد فقاهتی

یک دوره دیگر که از زمان شیخ طوسی (رضوان الله علیه) شروع می‌شود و بیشتر تحت تاثیر فعالیت‌های فقهی اهل تسنن است چون منابعشان ضعیف بوده است روایات نبوی خیلی کم داشته‌اند منابع فقهی ایشان عمدتاً کلمات صحابه بود و بعد هم تابعین، بعد فقه شیعه که بر اساس روایات اهل بیت (صلوات الله علیه اجمعین) پی ریزی شده بود احتیاج به تطبیق داشت و اثبات برتری و شیخ طوسی در این زمینه کارهای بسیار ارزشمندی انجام دادند چه کتاب خلاف در بحث تطبیقی فقه، چه کتاب مبسوط که تقریباً اولین تلاش مهمی بود که در زمینه فقه اجتهادی در عالم تشیع انجام گرفت. حالا کتاب مبسوط را با کتاب هدایه شیخ صدوق مقایسه کنیم اینها زمانشان خیلی نزدیک بود، خیلی تفاوت هست در کیفیت استفاده از روایات، تفریع فروع و تحقیق در منابع فقه در استفاده از متد فقاهتی که این ماخوذ از اهل بیت (صلوات الله علیه اجمعین) بوده است. کم کم این روشی که ابتکارش رو از یک نظر به شیخ مفید می‌شود نسبت داد ولی شکوفایی آن به دست شیخ طوسی بوده اوج گرفت تا زمان مرحوم علامه حلی (رضوان الله علیه) و محقق حلی و دیگران به اوج خودش رسید. و دیگه در عصر اخیر به برکت بزرگانی امثال شیخ انصاری (رضوان الله علیه) از لحاظ اوج فقاهت و دقت در استفاده از روایات دیگر مثال زدنی شد، این سیر در فقه کاملاً مشهود است که از یک کار ساده‌ای که بررسی متن روایات است و آنها را به عنوان کتاب فقهی درآورده‌اند و عین عبارت‌ها محفوظ است؛ شروع میشود تا به مکاسب شیخ می‌رسد که یک روایت ایشان می‌بینید که دهها صفحه بحث می‌کند.



تمثیلی از عمق یافتن مباحث فقهی؛ اختصاص یک باب فقهی تنها در بررسی یک روایت

یادم آمد یک داستانی مرحوم آقای بهجت رضوان الله علیه نقل می کردند ایشان می فرمودند که دوتا برادر بودند در نجف که یکی رفتند به سامرا مدتی آنجا تحصیل می کردند بعد که برگشته بود برادرش پرسید که استاد شما آنجا چه چیزی تدریس می کنند. گفت کتاب "الناس مسلطون..". را بحث می کنند. یعنی مدتی که من آنجا بودم ایشان درباره این روایت الناس مسلطون... که حالا سندش هم قطعی نیست نمی دانم با تحقیقات قطعی شده است یا نه، مدتی درباره این روایت بحث می کردند که اسمش را هم گذاشته بودند کتاب الناس مسلطون. غرض کار تحقیق فقهی به اینجا می رسد که یک روایت آنقدر زمینه تحقیق پیدا می کند که استادی مثل شیخ انصاری، مثل آقای میرزا حبیب الله رشتی، مثل میرزای شیرازی مثل سایر بزرگان مدتها عمرشان را صرف تحقیق درباره یک روایت می کنند؛ شما اگر روایت زراره را از کتاب استصحاب شیخ بردارید؛ لا تنقض بالشک را از کتاب استصحاب بردارید چه چیزی می ماند؟! ما یک کتاب قطور درباره مباحث استصحاب از همین روایت و یکی دو روایت دیگر استنباط می کنیم. این نهایت تلاش مشکوری است که بزرگان ما کرده اند. و قطعاً هر لحظه ای از عمرشان رو صرف اینها کرده اند باعث تقرب به خدای متعال و باعث برکت برای عالم اسلام و تشیع بوده، شکرالله سعيهم انشاءالله.

کم تر نبودن تعداد روایات اخلاقی از روایات فقهی

اما حالا می آییم در اخلاق شاید تعداد روایات اخلاقی ما از تعداد روایات فقهی کمتر نباشد! اما چه اندازه در این زمینه آن تحقیقاتی که می بایست انجام بگیرد ممکن است کسانی بگویند جای تحقیق ندارد روایت اخلاقی واقعاً اگر ما بودیم و لا تنقض یقین بالشک جای تحقیقی مثل کتاب استصحاب می طلبید.

پیدایش چشمه هایی از علوم؛ با تحقیق در روایات اخلاقی

وقتی تحقیق کردند آن وقت آدمی می بیند که تا چه اندازه می شد از این چشمه آب استخراج کرد چه بسا اگر از چند روایت اخلاقی فقط چند روایت، اگر چنین تحقیقاتی انجام می گرفت چشمه هایی از علوم پدید می آمد؛ متأسفانه اینکار نشده است.

معذور نبودن علمای عصر حاضر نسبت به قصور در پژوهش های اخلاقی

جمله آخر این است که حالا که نشده آن کسانی که این کار را انجام نداده اند فرضاً اگر کوتاهی هم شده باشد قاصر بوده اند ما هیچ سوءظنی نداریم که تقصیری در این زمینه انجام گرفته،

ضرورت حفظ اصل شریعت؛ دلیل احتمالی قصور علمای گذشته در پژوهش های اخلاقی

یا کارهای دیگر را واجبتر می دانسته اند و فکر می کردند کارهای اخلاقی عملش مستحبات است اما روایات فقهی مسائل واجب و حرام است، اصل شریعت است و در معرض خطر است و چیزهایی از این قبیل البته شاید. به هر حال اگر کوتاهی هم شده بوده کوتاهی به معنای کلمه قصور است ما سوءظنی به بزرگان نداریم که تقصیر کرده باشند؛ اما حقیقتاً برداشت ما این است که در این زمینه قصورهایی بوده است. آیا ما هم نسبت به این قصورها معذوریم؟! آنها شاید توجهی نداشته اند و کارهای واجبتری داشته اند،

اهمیت پژوهش های اخلاقی در عصر حاضر، به دلیل سرایت مسائل اخلاقی به مباحث اعتقادی

جمله اخیر بنده این است که زمان ما شرایطی پیش آمده که ضرورت فعالیت های اخلاقی باضعاف مضاعفه بالا برده است. زمانی کارهای اخلاقی از کارهای واجب بود جزئی از منابع اسلامی بود، از معارف اسلامی بود، هدف بعثت انبیاء تلقی می شد و چیزهایی از این قبیل. اما امروز مسائل اخلاقی طوری است که اگر بهای کافی به آن داده نشود و در این زمینه فعالیت علمی و عملی انجام نگیرد احتمال این که نه تنها مباحث اخلاقی اسلام در خطر باشد



بلکه مسائل اعتقادی هم به خطر بیفتد. ممکن است این حمل بر مبالغه شود که مباحث اخلاقی چه ربطی به اعتقاد دارد؛

تصریح قرآن به تضعیف ایمان توسط رفتارهای غیر اخلاقی

اولاً ما در خود قرآن دلائلی داریم که نه تنها رفتارهای غیر اخلاقی ایمان را ضعیف می‌کند بلکه گاهی سلب می‌کند. در آیه‌ای در قرآن می‌فرماید کسانی با خدا عهد کرده‌اند که اگر خدا مالی به آنها بدهد بخشی از آن را در راه خدا انفاق کنند، وقتی خدا به آنها داد عمل نکردند، فاعقبهم نفاقاً فی قلوبهم الی یوم..... بما . نتیجه ترک عمل به یک عهد فاعقبهم نفاقاً فی قلوبهم رفتار زشت کم کم عقائد آدمی را از بین می‌برد. ثم کانا عاقبتا... (سوره توبه) رابطه بسیار عمیقی بین عمل و اعتقاد وجود دارد قلبی که به اعمال زشت آلوده شد دیگر جایگاه توحید و معارف بلند را نخواهد داشت. ایمان ضعیف شده و گاهی هم از بین می‌رود. این یک دلیل قرآنی که چنانچه به مباحث اخلاقی در این زمان اهتمام نشود نه تنها اخلاق ضعیف می‌شود بلکه حوزه عقائد هم به خطر می‌افتد.

حاکمی بودن تجربه از تأثیر رفتارهای غیر اخلاقی در بروز انحرافات اعتقادی

یکی از تجربه‌های عینی؛ اگر یک تحقیق میدانی جامعه‌شناختی درباره انحرافات که جوانان ما از نظر فکری پیدا می‌کنند؛ که چرا گرایش پیدا می‌کنند به بعضی از مذاهب انحرافی؟ چرا بی‌دین می‌شوند؟ ایمانشان ضعیف می‌شود؟ یک تحقیق میدانی انجام بگیرد. بررسی شود چه رفتاری داشته‌اند چرا کارشان به اینجا رسید؟ قطعاً به این نتیجه خواهید رسید. شاید خود شما هم افرادی را تجربه کرده باشید. آنچه از ابتدا منشأ انحراف شده یک رفتار بوده، دیدن یک فیلم بوده که کم کم کشیده شده به این موضوع که گفته‌اند: خواستیم ببینیم در دنیا چه خبر است. ما قصد لذت بردن نداریم می‌خواهیم ببینیم در دنیا چه خبر است، ابتدا خواستیم ببینیم دنیا چه خبر است شب بعد دیدیم بی‌میل نیستیم که یک فیلم تماشا بکنیم کم کم شدید معتاد. و بعد دیدیم که این همه لذت در دنیا هست چرا استفاده نکنیم اول راه‌های حلال (ازدواج) بعد چیزهای دیگر. و من سراغ دارم افراد برجسته‌ای، این که عرض می‌کنم برجسته تحقیقاً می‌گویم. افراد برجسته‌ای که هم از نظر علم و هم تحصیلات حوزوی در حد اجتهاد درس خوانده‌اند از نظر اخلاقی از نظر منش اجتماعی افراد متین و موقر. اما در اثر ارتباط با این مسائل کارش به جایی رسیده که عبادات واجبش را هم ترک کرده و بعد نسبت به عقائدش هم شبهه پیدا کرده،

تمایل به گناه در نتیجه ارتکاب آن؛ سبب منکر شدن به دین و شریعت، بر اساس تحلیل روانشناختی

حالا سرّش چیست؟ این یک مسأله روانشناختی است که روانشناس‌ها مطرح می‌کنند. اما شاید یکی از نکته‌های آن این باشد که وقتی آدم خیلی تمایل به یک چیز پیدا کرد نمی‌تواند بپذیرد که این گناه است که من انجام می‌دهم و یک راهی برای توجیهش پیدا می‌کند، توجیهات آخرش به اینجا می‌رسد که خدا گفته پیغمبر گفته و نمی‌شود کاری کرد. می‌گوید از کجا معلوم خدا و پیغمبر درست گفته باشد. همین حرفها و شبهاتی که پیدا شده تا به آنجا که به انکار شریعت انجامیده و اینکه وحی یک نوع حالت عرفانی هست و هیچ دلالتی بر حجیت ندارد. کمی بالاتر رفته که اون اصل اصلیش را هم زیر سوال می‌برد. اینها شده است که بنده عرض می‌کنم خیالبافی نیست.

منظورم این است که ضعف مسائل اخلاقی فقط به حوزه اخلاق و رفتارها منحصر نمی‌شود سرایت می‌کند به اصل دین و اعتقاد و توحید و نبوت و معاد و .. علاوه بر مفاسد اجتماعی

پیدایش ناهنجاری‌های اخلاقی در پاره‌ای از شریف‌ترین محافل جامعه

(من نمی‌دانم آقایان تا چه اندازه اطلاعات دارند و قاعدتاً اطلاعات شما از بنده خیلی بیشتر است چون هم سن بنده اقتضاء این مسأله را نمی‌کند و هم مشغولیت‌ها و هم انزوای طبیعی که آدمی در این سنین پیدا می‌کند) حتماً



می دانید که در شریف ترین محافل (اینجور عرض کنم چون ممکن است اینها جای دیگر هم نقل شود) در شریفترین محافل بعضی از ناهنجاری های اخلاقی پیدا شده که شاید ۲۰ سال قبل اصلاً به ذهن کسی خطور نمی کرد.

دست داشتن عوامل خارج از کشور در گسترش ناهنجاری های اخلاقی

وجود اینها که البته به طور قطع پشتوانه خارج از کشور دارد. عواملی در دست هست برای اینکه فرهنگ اسلامی و پایبندی به اسلام را تضعیف کنند و یک راهش هم ترویج همین مسائل ضد اخلاقی است.

ضرورت های پژوهشی در حوزه اخلاق و راهکارهای پیشنهادی

راهکار اثباتی و ایجابی، تنها روش برای مقابله با ناهنجاری های اخلاقی

هیچ چاره ای هم ندارید جز فعالیت اثباتی و ایجابی در مقابل آنها، والا شما هرکاری بکنید، هر قانونی بگذارید و هر فتوایی صادر بشود که مشاهده اینها یا استفاده از این ابزارها حرام است، گناه است؛ تاثیری ندارد کار از این حرفها گذشته، بند را آب برده، تنها چیزی که می تواند در مقابل اینها اثر بکند فعالیت مثبتی است در مقابل آنها. یعنی تربیت صحیح اخلاقی

آغاز فعالیت اخلاقی و تربیتی از جوانان، به دلیل آلودگی کم تر

و البته هرچقدر زودتر شروع شود از جوانهایی که کمتر آلوده شده اند خیلی بهتر و موثرتر است می تواند باشد،

پاسخگویی نظری و علمی به شبهات اخلاقی

اینها را اشاره کردم که دلایلی است که وجوب پرداختن به مسائل اخلاقی را باضعاف مضاعفه تاکید می کند. امروز می شود گفت یکی از واجبتین کارهایی که بر بزرگان حوزه بر علما و فضلا واجب هست، این است که در این زمینه فکری بکنند.

هم از نظری علمی شبهاتی که در این زمینه هست پاسخ بدهند

پژوهش های تطبیقی اخلاقی با تکیه بر معارف اهل بیت (ع)، با دقت و بدون اهمال کاری

بحثهای تطبیقی اخلاقی انجام بدهند آنچه در معارف اهل بیت (علیهم السلام) آمده باز کرده و در دسترس مردم قرار بدهند روی آن کار بکنند، کار علمی تحقیقی بکنند نه تنها سرهم بندی کردن و اسم پژوهش روی آن بگذارند و هم در زمینه عمل سعی بشود که برنامه هایی اجرا شود که جلوی این مفاسد را بگیرد.

ایجاد انگیزه فردی برای دوری از ناهنجاری های اخلاقی، به دلیل ناکارآمدی زور در این زمینه

یعنی انگیزه هایی در خود افراد ایجاد کند که خودشان کمتر بروند سراغ آنها و گرنه با زور هرچقدر جلوی اینها را بگیری شاید حریص تر هم بشوند.

برخورد قانونی دولت با ابزارهای ترویج مفاسد اخلاقی؛ وظیفه ای خارج از حوزه های علمیه

حالا این وظیفه دیگری است برخورد دولتی و قانونی با این ابزارها و یا با بعضی از آموزشها وظیفه خودشان است. شاید هم در آن زمینه ها باید کار بیشتری انجام بگیرد.



وجوبی بودن تکلیف علما در پرداختن به پژوهش‌های اخلاقی

حالا چیزی که مربوط به ما هست و به مناسبت تاسیس این موسسه باید عرض کنم این است که خیال نکنید پرداختن به بحث‌های اخلاقی یک فضیلتی است، یک ثوابی دارد. امروز از مؤکدترین واجبهاست. برای اینکه فساد اخلاقی چنان گسترش پیدا کرده و در بهترین و پاکترین مراکز نفوذ کرده که جز با فعالیت مثبت در این زمینه جلوی آن را نمی‌توان گرفت.

هم‌عرض بودن پژوهش‌های اخلاقی و مقابله با شبهات اعتقادی؛ به عنوان دو واجب مؤکد

بنابراین واجبتین واجبات است یکی از واجباتی است که در این زمینه می‌توان انجام داد تنها چیزی که می‌توان در قبال این شریک و هم‌تا از نظر وجوب قرار داد مقابله با شبهات اعتقادی است. این دو را می‌توان در عرض هم دو واجب مؤکد گفت. همه چیزهای دیگر اهمیتش کمتر از این دو است. همه چیزها که عرض می‌کنم یعنی همه چیزها.

هدف عملی داشتن؛ تفاوت جوهری رشته اخلاق با سایر رشته‌های علمی

من برای کسانی که برای چنین برنامه‌ای زحمت کشیده‌اند، طراحی کرده‌اند، فکر کرده‌اند، مشورت کرده‌اند، مطالعه کرده‌اند، در جهت اجرا آن تلاش کرده‌اند از خدای متعال توفیق بیشتر می‌طلبم و یک نکته را در آخر عرض می‌کنم: این رشته‌ای را که شما شروع می‌کنید البته شروع از لحاظ درس رسمی و الا همه شما فاضل و منزه هستید، این فرقی با سایر رشته‌ها دارد؛ یک فرق جوهری، حتی با مسائل اعتقادی، فلسفی، عرفانی، یک فرق اساسی دارد و آن این است که هدف از این رشته این است که شما تربیت کنید دیگران را، تربیت اخلاقی کنید. جلوی مفاسد اخلاقی را بگیرید، اخلاق فاضله را ترویج کنید. یعنی یک هدف عملی دارید تنها به بحث نظری اکتفا نمی‌کنید.

کار فقیه آخرش صدور یک فتوا است، فقیه بما انه فقیه آخرش این است که فتوا بدهد، استدلال کند، اثبات کند، فقیه بما انه فقیه وظیفه دیگری ندارد. اما مربی اخلاقی کارش تربیت اخلاقی است یعنی برنامه‌ای اجرا کند، مقدماتی فراهم کند که دیگران رشد کنند؛ مفاسدشان زدوده شود.

ضرورت تأدیب نفس خود؛ پیش از پرداختن به تربیت دیگران، به دلیل هدف عملی اخلاق

این کار به خاطر این اختلاف اساسی که دارد یک شرط لازم دیگری را برای کسانی که ممارست می‌کنند ایجاب می‌کند و آن این است که قبل از آن که به تربیت دیگران بپردازند اول به تأدیب خودشان بپردازند. به تعبیر مقام معظم رهبری دستمالی که شما می‌خواهید آئینه را پاک کنید خود دستمال باید خیلی تمیز باشد اگر دستمال کثیف باشد آئینه را پاک نمی‌کند هیچ، کثیف تر هم می‌کند. این است که ما در کنار برنامه آموزشی مان اگر نگویم خیلی بیشتر از آموزش لااقل در حد آموزش باید به خودسازی بپردازیم اول خودمان را اصلاح کنیم تا بتوانیم به اصلاح دیگران بپردازیم.

و ففنی الله و ایاکم انشاء الله و سلام علیکم و رحمه الله

